

## شاخص‌های سیاسی انقلابیون از دیدگاه قرآن

مهدی باکویی<sup>۱</sup>، احد داوری چلقائی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: 1401/06/09

تاریخ دریافت: 1400/11/16

### چکیده:

انقلاب اسلامی ایران با تاسی از تعالیم و حیانی قرآن و اهل بیت علیهم السلام به پیروزی رسید و انقلابی گری یکی از ارزش‌های جامعه اسلامی تلقی گردید. انقلابیون نیز در حوزه‌های مختلف مورد نیاز جامعه از جمله سیاست، فرهنگ و اقتصاد برای پیشبرد اهداف انقلاب تلاش کردند، حضور در این عرصه‌ها به‌ویژه عرصه سیاست، به دلیل عدم همسانی تعاریف و فقدان معیارهای سنجه‌پذیر و معین، همواره با فراز و فرودهایی همراه بوده است، این پژوهش درصدد است تا معیارهای سیاسی انقلابی گری را با معیار قرآن مورد بازبینی و بازبایی قرار دهد. از این رو با تحلیل آیات قرآن کریم و با کمک داده‌های کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این سؤال است که شاخص‌های سیاسی انقلابیون از دیدگاه قرآن چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد پیروی از رهبری جامعه اسلامی، راحت در بیان مواضع انقلابی، اعتماد به نیروهای داخلی، حساسیت در برابر دشمن، رعایت تقوای سیاسی، رعایت ارزش‌های مقبول زندگی اجتماعی و مبارزه با فساد درونی نیروهای انقلابی از مهم‌ترین شاخص‌های سیاسی انقلابیون از نگاه قرآن هستند.

**واژگان اصلی:** شاخص، سیاست، انقلابی گری، انقلابیون، قرآن کریم.

1. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تفسیر و معارف قرآن قم، ایران bakouei2011@yahoo.com

2. دانش آموخته دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تفسیر و معارف قرآن، قم، ایران davari@quran.ac.ir

## مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حکیمانه حضرت امام خمینی (رحمه الله)، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات سیاسی مسلمانان در جهان بود که در تاریخ اسلام بی‌نظیر است. این پیروزی نتیجه تلاش نیروهای انقلابی بود که با بذل مال و ایثار جان، درخت انقلاب را به ثمر رساندند. قسمت عمده نیروهای انقلابی در مرحله پیروزی انقلاب، قرآن و عترت را الگوی خود قرار داده و تلاش‌های خود را در راستای تعالیم وحی و اهل بیت علیهم السلام انجام دادند. ماندگاری انقلاب اسلامی هم در طول مدت بیش از چهل سال به‌رغم تهدیدات استکبار جهانی و طاغوتیان، علاوه بر تأیید الهی، در سایه برخی ویژگی‌های نیروهای انقلابی - چه در مرحله پیروزی بر طاغوت و چه در مرحله تثبیت و ماندگاری انقلاب و دفاع از آن در مقابل زیاده‌خواهی‌ها - میسر بود. این ویژگی‌ها در جنبه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... قابل بررسی و دقت هستند تا راه برای آیندگان روشن شده و معیارهای مشخصی برای ارزیابی افراد انقلابی ارائه شود. به دلیل تأثیر شاخص‌های سیاسی در تصمیم‌گیری بر کل جامعه (بشریه، 1387، 29)، تعیین راهبردهای شخصی یا اجتماعی برای اداره جامعه و دولت (فارسی، 1374، 508) و دربرگیری تمامی مصالح جامعه و ابعاد انسان و هدایت جامعه (لک زایی، 1394، 6 و 7) بررسی شاخص‌های سیاسی نسبت به سایر شاخص‌ها از اولویت برخوردار است. از طرف دیگر تأثیرپذیری انقلاب اسلامی از آیات قرآن قابل انکار نیست و قرآن هم در آیات متعددی به انقلاب‌های پیامبران اشاره کرده است (مصباح یزدی، 1384، 114 - 116؛ فارسی، 1361، 10 - 35)، لذا نگاه قرآنی به موضوع با بحث انقلاب اسلامی ایران تناسب، همخوانی و ضرورت دارد. از این رو این نوشتار با تحلیل آیات قرآن کریم و با کمک منابع کتابخانه‌ای، به بررسی شاخص‌های سیاسی نیروهای انقلابی (به عنوان یکی از محورهای اصلی شاخص‌های انقلابی گری) می‌پردازد. ثمره این تحلیل علاوه بر کمک به تثبیت ارزش‌های انقلابی گری و ارائه تفاسیر حیح از انقلابیون، در مقابله با تفسیرهای افراطی یا تفریطی و مصادره به مطلوب «انقلاب» و رفع تعارض‌ها و تضادهای ناشی از تعیین مصادیق انقلابی گری نیز کارایی دارد.

جستجو در منابع مختلف اطلاعاتی اعم از کتابخانه‌ها و تارنماهای برخط نشان می‌دهد علی‌رغم اهمیت مسئله و تلاش برخی پژوهشگران برای بیان مفهوم انقلاب و انقلابی گری، شاخص‌های سیاسی انقلابی بودن و انقلابی ماندن از دیدگاه قرآن کریم مورد پژوهش جدی و

تفصیلی قرار نگرفته است که نوشتار حاضر عهده‌دار این تبیین است. لازم به ذکر است که طلایه‌دار آغاز بحث شاخص‌های انقلابی ماندن، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) هستند که در مرقد مطهر حضرت امام خمینی (رحمه الله) در 14 خرداد سال 1395 ضمن معرفی پنج شاخص انقلابی ماندن، در تبیین برخی شاخص‌ها، آیاتی از قرآن را مورد استشهاد قرار دادند؛ ایشان در ذیل شاخص «حساسیت در برابر دشمن» می‌فرماید: «باید دشمن را شناخت، نقشه او را فهمید، از تبعیت دشمن سر باز زد؛ ... قرآن این عدم تبعیت را «جهاد کبیر» نام نهاده است». (سخنرانی در تاریخ 14 خرداد 1395) این فرمایش معظم له اشاره به آیه 52 سوره فرقان دارد که می‌فرماید: فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا؛ پس از کافران اطاعت مکن و با [لهم گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ بپرداز. خاطر نشان می‌شود برخی از شاخص‌های انقلابیون، به طور مجزا تبیین شده‌اند؛ از جمله حساسیت در برابر دشمن، توسط مهدی باکویی و احد داوری چلفانی در نشریه پژوهش‌های انقلاب اسلامی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است (باکویی، 1396). پژوهش حاضر علاوه بر اشاره به شاخص فوق، بقیه شاخص‌ها را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد.

## 1- مفهوم شناسی

### 1-1- انقلابی گری

«انقلاب» در لغت به معنای دگرگونی بوده (فراهیدی، 1409، ق، ج 5، 171؛ ابن فارس، 1404، ق، ج 5، 17) و تعاریف متعددی از آن در علوم سیاسی ارائه شده است (شجاعیان، 1382، 23 - 26؛ عیوضی، 1387، 44 - 47؛ محمدی، 1387، 21 - 26؛ مطهری، 1378، ج 24، 144؛ بابا پور گل‌افشانی، 1390، 17 - 23)؛ بغرنجی، پیچیدگی، چندبعدی و چندلایه بودن، عدم اجماع و توافق بر یک تعریف مشخص و قابل قبول برای همه مکاتب، از جمله ویژگی‌های این واژه است (نخعی، 1390، 131 - 170)؛ به گونه‌ای که برخی آن‌چنان این مفهوم را توسعه داده‌اند که هر کشمکشی را می‌توان انقلاب نامید؛ حال آنکه تعداد دیگری از احب‌نظران مفهوم آن را چنان مضیق کرده‌اند که فقط بر تعداد محدودی از حوادث تاریخی می‌توان انقلاب نام نهاد (هادیان، 1391، 205). با بررسی تعارف ارائه شده می‌توان «انقلاب» را به معنای دگرگونی بنیادی در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به‌ویژه سیاسی دانست که نسبت به قبل از انقلاب اتفاق می‌افتد (مصباح یزدی، 1388، 347 و همو، 1387، 24 و 25). مصداق کلی این دگرگونی در آیات قرآن کریم در نهضت‌های پیامبران نمایان می‌شود که

دگرگونی‌های اساسی در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی را ایجاد کردند (فارسی، 1361، 36 - 397) که برخی از آنها در آیات قرآن انعکاس یافته است، بررسی آیات مربوط به انقلاب موسی علیه‌السلام در برابر فرعون (از جمله سوره قصص آیات 1-7) نشان می‌دهد که استکبار فرعون و برقرار شدن تبعیض سیاسی و اقتصادی و اعتقادی میان او و مردم، به استقرار نظام تبعیض‌آمیز طبقاتی و به استثمار زندگی و محرومیت طبقه بزرگ و گروه اجتماعی پرشمار انجامید. اراده خدا در انتخاب و ارسال حضرت موسی علیه‌السلام به پیامبری، در برابر اقدامات سیاسی اقتصادی و اعتقادی فرعون، اراده انقلابی بود که به یک دگرگونی ژرف اجتماعی منجر گردید و در نتیجه نظام سیاسی و اقتصادی جامعه را تغییر داده و حقوق سیاسی و اقتصادی طبقات محروم را به ایشان بازگرداند (فارسی، 1361، 15 - 10) نهضت حضرت موسی علیه‌السلام باعث انقلاب‌های بزرگ اعتقادی، فرهنگی و سیاسی گردید که با سقوط فرعون و انحطاط ارزش‌های حکومت فرعون نظیر زور مداری، قدرت‌طلبی، سلطه‌جویی، فردگرایی و استبداد همراه بود و زیربنای حکومت‌های بزرگی چون حکومت حضرت داود و حضرت سلیمان علیهما‌السلام را بنیان نهاد (مصباح یزدی، 1384، 83 و 84)، همچنان که مهم‌ترین دگرگونی‌ها در حرکت پیامبران، در نهضت اجتماعی حضرت محمدلی الله علیه و آله و سلم تجلی یافته است که در جنبه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسیورت گرفته است که از آن می‌توان به انقلاب تکاملی اسلام یاد کرد (فارسی، 1361، 36 - 397).

تعبیر «انقلاب» یا معادل عربی آن «الثورة» در آثار پژوهشگران معاصر با بسامد زیادی برای بعثت پیامبران به کار رفته است (باکویی، 1396، 35 و 36) و بررسی معنای لغوی بعثت، ارتباط بین «انقلاب» و «بعثت پیامبران» را تأیید می‌کند؛ زیرا «بعثت» از ریشه «ب ع ث» مشتق شده که بر «اثارة» و برانگیخته شدن دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ۲۶۶) و در بحث «انقلاب» به معنای مصطلح نیز برانگیختن توده‌های مردم و بیدار کردن آن‌ها برای مبارزه با ظلم و ستم مشهود است.

## 2-1- سیاست

سیاست به رغم تعریف‌های متعددی که دارد (بهروزی لک، 1392، 41 - 45) در کل به مفهوم عمل اخذ تصمیم و اجرای آن برای کل جامعه است (بشریه، 1387، 29) و به معنای عام

هرگونه راهبرد و روش و شیوه برای اداره امور، اعم از امور شخصی یا اجتماعی است که در آن اقتدار سازمان یافته اعمال می‌شود و در معنای خاص، اغلب به هر امری اطلاق می‌شود که به سازمان اقتدار در جامعه یا دولت و مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت و طرز حکومت مربوط باشد (فارسی، 1374، 508). به نظر برخی محققان سیاست در نظر گرفتن تمامی مصالح جامعه و ابعاد انسان و هدایت جامعه تعریف می‌شود. بر این اساس سیاست به معنای راهبری به سوی خداست و سیاست ورزی مختص انبیاء و رهروان آنان است. (لک زایی، 1394، 6 و 7).

بنابراین مراد از شاخص‌های سیاسی انقلابی گری، ویژگی‌های برجسته نیروهای انقلابی در حوزه شخصی و اجتماعی مربوط به اداره امور جامعه اسلامی است.

## 2- تحلیل شاخص‌های سیاسی انقلابی گری

با بررسی آیات قرآن و توجه به سیاق و دلالت آنها و با استمداد از منابع روایی معتبر، می‌توان مهم‌ترین شاخص‌های سیاسی انقلابی گری را چنین برشمرد:

### 1-2- پیروی از ولایت و رهبری جامعه اسلامی

هر جامعه‌ای برای پیشبرد امور خود نیاز به راهبر دارد تا امور را به دست گرفته و جامعه و افراد آن را به سعادت برساند. برای موفقیت رهبر جامعه نیز مردم و سایر ارکان موظف به تبعیت از دستورات وی هستند. ولایت سیاسی جامعه اسلامی برخلاف جوامع بشری ویژگی‌های خاصی دارد، بر اساس تعالیم و حیانی، ولایت معنوی و سیاسی جامعه تنها از آن خداوند است و سپس به پیامبر و ائمه علیهم‌السلام و منصوبان الهی می‌رسد. (طباطبایی، 1417 ق، ج 6، 6) ویژگی‌ها و شاخص‌های این نوع رهبری از برخی آیات قرآن قابل استخراج و استنباط است؛ از منظر قرآن رهبری الهی به هدف و مکتب ایمان دارد (بقره: 285)، در اصول قاطع (کافرون: 6) و با مستضعفان همراه است (کهف: 28)، بر طریق عدل و داد حرکت می‌کند و ظالم نیست (بقره: 124)، در برابر افراد نادان نرمش و انعطاف دارد و در مصالح جزئی حاضر به مصالحه است (آل‌عمران: 159)، متواضع است (حجر: 88)، سعه‌صدر دارد (انشراح: 1) و برداشتن قیدها، بندها و خرافات را وظیفه خود می‌داند (اعراف: 157). چنین رهبری از آنجا که در راستای ولایت الله حرکت می‌کند با رهبری خود می‌تواند جامعه را از ظلمت به روشنایی و به

جامعه‌ای متعالی هدایت کند (نیکفر، 1395، 17). اطاعت از چنین رهبری لازمه زندگی معنوی هر مسلمانی است که در آیات متعددی با تعبیر «أَطِيعُوا» (آل عمران: 32) به آن امر و با تعبیر «لَا تَتَّبِعُوا» (انعام: 153) از اطاعت رهبران غیر الهی نهی شده است. اطاعت از رهبری پیامبر خاتمی الله علیه و آله را در همه جنبه‌های شریعت و احکام الهی (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج 4، 387) و پذیرش داوری دستورات الهی و تعالیم نبوی در موارد اختلافی مورد تاکید قرآن قرار گرفته است (نساء: 59).

در زمان حضور شخص معصوم، او در رأس حکومت قرار می‌گیرد و حکومت ایده‌آل و مطلوبی تشکیل می‌شود، اما در عصر غیبت امام معصوم که دسترسی به وی میسر نیست برای اجرای قوانین اسلام، هماهنگ کردن نیروها و سازمان‌های متعدد و راهبری مردم به تعالیم اسلام، کسی عهده‌دار این رهبری می‌شود که بیشتر از بقیه از اسلام آگاه بوده، تقوا، تدبیر و مدیریت اداره جامعه اسلامی را داشته باشد، از چنین کسی به ولایت فقیه تعبیر می‌شود (جوادی آملی، 1389، 212-230؛ مصباح یزدی، 1380، 149-154). اطاعت از رهبر در زمان حضور معصوم علیه‌السلام مثلاً در زمان حکومت پیامبرلی الله علیه و آله و سلم نسبت به زمان عدم حضور معصوم آسان‌تر است؛ چنان‌که پیامبر خاتم خطاب به امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید: شگفت‌انگیزترین مردم در ایمان و با یقین‌ترین آن‌ها کسانی هستند که پیامبر خود را ندیدند و امامشان نیز از آنها در حجاب است و با کمک سیاهی خطوط برفحات سفید کاغذ ایمان می‌آورند: يَا عَلِيُّ وَاعْلَمْ أَنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيمَانًا وَ أَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حَجَبَتْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيِّ بِيَاضِ (ابن بابویه، 1395 ق، ج 1، 288؛ شعیری، بی‌تا، 180)؛ بنابراین انقلابیون چه در حضور معصوم و چه در غیبت ایشان، از ولی برحق جامعه تبعیت می‌کنند.

تبعیت از رهبر با ادعای زبانی حاصل نمی‌شود بلکه زمانی باعث رستگاری می‌گردد که در عمل منجر به حمایت و یاری رهبر گردد (اعراف: 157)، از جمله سیره مسلمانان انقلابی‌دور اسلام بیانگر یاری عملی رهبر جامعه است که در سخت‌ترین شرایطورت گرفته است؛ حتی گاهی پس از شکست‌های سنگین نظامی و از دست دادن ده‌ها نیروی شجاع و زبده مانند حضرت حمزه سیدالشهدا علیه‌السلام در میدان‌های جنگ با کفار، باز هم با پیامبر در نبرد جدیدی مشارکت کردند، مسلمانان شکست‌خورده، زخمی شده ودمه‌دیده در جنگ احد، به

دستور الهی و به امر پیامبر اکرمی الله علیه و آله، آماده نبرد دیگری به نام «حمراء الاسد» شدند و حدود هفتاد نفر از آن‌ها تا هشت میلی مدینه در تعقیب مشرکان راه پیمودند (طبری، 1387، ج 2، 534؛ جزری، 1385، 164؛ طبری، ۱۴۱۲، ج 4، 116 - 118؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج 1، 440). این حرکت مسلمانان به معنای تبعیت عملی محض از رهبری جامعه اسلامی محسوب می‌گردد که علی‌رغم سختی‌ها و جراحات بازهم از فرمان پیامبر سرپیچی نکردند، لذا قرآن آن‌ها را با وعده پاداشی بزرگ ستود: *الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ* (آل عمران: 172)؛ کسانی که [در نبرد احد] پس از آنکه زخم برداشته بودند دعوت خدا و پیامبر [او] را اجابت کردند برای کسانی از آنان که نیکی و پرهیزگاری کردند پاداشی بزرگ است. تبعیت مسلمانان از دستور رهبر جامعه در جنگ حمراء الاسد در شرایط فوق باعث وحدت سیاسی، پاسخ دندان‌شکن به دشمنان داخلی و منافقان و تقویت روحیه مسلمانان گردید و باعث شد تا مشرکان به جای حمله مجدد به مدینه، راه مکه را در پیش بگیرند. (سبحانی، 1363، ج 2، 77 - 79؛ حسنی، 1380، 229 - 231).

در نقطه مقابل تبعیت، عدم پیروی از رهبر جامعه باعث خساراتی به نیروهای انقلابی می‌شود که نمونه قرآنی آن در ماجرای بی‌توجهی بنی‌اسرائیل به دستورات حضرت موسی علیه‌السلام در جانشینی حضرت هارون مطرح شده است که عدم پیروی از جانشین به حق رهبر، باعث شرک و گوساله‌پرستی آن‌ها گردید: *وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ* (طه: 90 و 91)؛ و در حقیقت هارون قبلاً به آنان گفته بود ای قوم من شما به وسیله این [گوساله] مورد آزمایش قرار گرفته‌اید و پروردگار شما [خدای] رحمان است پس مرا پیروی کنید و فرمان مرا پذیرا باشید. [آنان در پاسخ هارون] گفتند ما هرگز از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت تا موسی به سوی ما بازگردد.

## 2-2-راحت در بیان مواضع

در دنیای سیاست گاهی مطالب را بهورت مبهم، گنگ و دوپهلو مطرح می‌کنند تا به اهداف خود برسند و هرکسی به تناسب دیدگاه و سلیقه و نیازش مطلب را تفسیر کند، استفاده از مفاهیمی چون آزادی، دموکراسی در برخی سخنرانی‌ها بدون ارائه تعریف دقیق و شفاف باعث برداشت‌های متنوع و دلخواه می‌گردد. در برخی از موارد نیز حجت دوپهلو و عدم بیان‌ریح دیدگاه

ناشی از ضعف گوینده است که نمی‌تواند مطلب را به مستمع القاء کند؛ اما سیره انقلابیون در آیات قرآن بیانگر راحت در بیان عقاید، باورها، برنامه‌ها و تصمیمات است تا منع سوءبرداشت‌ها شده و مطالب به‌روحیح به مخاطب القاء شود. از جمله مواردی که بیانگر مبانی قرآنی راحت نیروهای انقلابی است، رفتار پیامبر با مشرکان است که پس از نقض عهد و پیمان آنها، به دستور خدایا راحتاً مهلت چهارماهه‌ای برای پیوستن به نیروهای انقلابی یا ترک وطن داده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج 15، 523؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج 10، 61-64؛ ثعلبی، 1422 ق، ج 5، 14؛ قرطبی، 1364، ج 8، 86): *بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ* (توبه: 1 و 2)؛ [این آیات] اعلام بیزاری [و عدم تعهد] است از طرف خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی که با ایشان پیمان بسته‌اید پس [ای مشرکان] چهار ماه [دیگر با امنیت کامل] در زمین بگردید و بدانید که شما نمی‌توانید خدا را به ستوه آورید و این خداست که رسواکننده کافران است. راحت پیامبر خاتم به عنوان رهبر نیروهای انقلابی در آیات دیگر نیز مشاهده می‌شود (یونس: 41؛ زمر: 39 و 40؛ شعراء: 216؛ کافرون: 1-6) چنانکه سایر پیامبران نیز در تبیین عقاید توحیدی از بیانریح مواضع، امتناع نکرده‌اند؛ از جمله:

الف: تصریح حضرت ابراهیم و یارانش به براءت از عبادت بت‌ها: *قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُاؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ (ممتحنه: 4)؛ قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید.*

ب: راحت حضرت لوط علیه‌السلام در بیزاری از اعمال ننگین قومش: *قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ* (شعراء: 168)؛ گفت به‌راستی من دشمن کردار شمایم.

ج: حضرت هود علیه‌السلام در برابر مشرکان نیز مصداق دیگری از انقلابیون است که باراحت از معبودهای آن‌ها بیزاری جست: *إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ مَنْ دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ رِطَابٍ مُسْتَقِيمٍ* (هود: 54-56)؛ [چیزی] جز



این نمی‌گوییم که بعضی از خدایان ما به تو آسیبی رسانده‌اند گفت من خدا را گواه می‌گیرم و شاهد باشید که من از آنچه جز او شریک وی می‌گیرید بیزارم، پس همه شما در کار من نیرنگ کنید و مرا مهلت مدهید، در حقیقت من بر خدا پروردگار خودم و پروردگار شما توکل کردم هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او مهار هستی‌اش را در دست دارد به راستی پروردگار من بر راه راست است.

د: راحت حضرت موسی علیه‌السلام در مقابل فرعون نیز چشمگیر است و باراحت درخواست می‌کند تا بنی‌اسرائیل را همراه او بفرستد تا از زیردستی فرعونیان نجات یافته و آزادانه عقیده توحیدی را پذیرا شوند: *وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ حَقِيقٌ عَلَيَّ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ* (اعراف: 104 و 105)؛ و موسی گفت ای فرعون بی‌تردید من پیامبری از سوی پروردگار جهانیانم، شایسته است که بر خدا جز [سخن] حق نگویم من در حقیقت دلیلی روشن از سوی پروردگارتان برای شما آورده‌ام پس فرزندان اسرائیل را همراه من بفرست.

گاهی عدم‌راحت در بیان مواضع و عقاید، از روی ضعف نیست، بلکه به عنوان تاکتیکی در مقابل دشمن برای حفظ جان یا آبرو به کار می‌رود، این موارد از شمول‌راحت خارج می‌شود، همچنان که بر اساس شأن نزول‌های ذکرشده در ذیل آیه ۱۰۶ سوره نحل درباره عمار (حمیری، ۱۴۱۳ ق، ۱۲؛ کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۳، ۵۵۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۰، ۲۷۳ و ۲۷۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ۱۳۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ۲۷۲ و ۲۷۳؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ۲۸۸ و ۲۸۹) چنین برداشت می‌شود که برای حفظ جان و ذخیره کردن نیروها برای خدمت بیشتر در راه خدا، هنگامی که مسلمانی گرفتار دشمنان بی‌منطق می‌شود جایز است با زبان از اسلام بی‌زاری بسته و به کفر اعلام وفاداری کند درحالی که قلبش سرشار از ایمان است و این همان تقیه مجاز است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ۴۱۹؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۲۵ ق، ج ۵، ۵۸۷ - ۶۳۵) شبیه این رفتار در باره مؤمن آل فرعون (غافر: ۲۸) نیز ذکر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ۸۱۰ و ۸۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ۸۸ - ۹۰). دوراندیشی سیاسی اصحاب کهف و تدارک همه جوانب و حذر از خطر نیز مصداق دیگری برای این تاکتیک محسوب می‌شود، آن‌ها پس از بیدار شدن از خواب در غار، هنگامی که خواستند از شهر مایحتاج ضروری تهیه کنند با تصور اوضاع نابسامان و ضدتوحیدی شهر تصمیم گرفتند تا کسی از وضعیت آنها باخبر

نباشد و بدین ترتیب از جان و اعتقاد خود مراقبت کرده و رستگار گردند: وَ لَّا يَشْعُرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذَا أَبَدًا (کهف: 19 و 20)؛ و باید زیرکی به خرج دهد و هیچ‌کس را از [حال] شما آگاه نگرداند، چرا که اگر آنان بر شما دست‌یابند سنگسارتان می‌کنند یا شما را به کیش خود بازمی‌گردانند و در آنورت هرگز روی رستگاری نخواهید دید.

### 3-2- اعتماد به نیروهای انقلابی

اجرای برنامه‌های جامعه اسلامی و رفع نیازهای مسلمانان به امکانات و نیروی انسانی نیاز دارد تا هم برنامه‌ریزی مناسبی انجام گیرد و هم برنامه تدوین‌شده به مرحله اجرا درآید، انجام این دو امر می‌تواند با کمک نیروهای داخلی یا تکیه بر بیگانگان انجام شود، بررسی نمونه‌های تاریخی ذکر شده در آیات قرآن بیان می‌کند که نیروهای انقلابی در هر دو زمینه «برنامه‌ریزی» و «اجرای برنامه‌ها» به نیروهای داخلی اتکا و با کمک آن‌ها موانع پیش روی مسلمانان در جوامع توحیدی را بردارند.

دستور به مشورت در برخی امور جامعه (وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ؛ آل‌عمران: 159) از مواردی است که اتکا به نیروهای داخلی در برنامه‌ریزی را مطرح می‌کند. لذا ویژگی همه مؤمنان متوکل نیز مشورت ذکر شده است (مکارم شیرازی، 1374، ج 20: 458): وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ (شوری: 38)؛ و کارشان در میانشان [با] مشورت است. از طرف دیگر تخلف از تصمیم جمعی و مورد اجماع رهبر و مردم نیز جایز نیست: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (نور: 62)؛ جز این نیست که مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش گرویده‌اند و هنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند تا از وی کسب اجازه نکنند نمی‌روند در حقیقت کسانی که از تو کسب اجازه می‌کنند آنان‌اند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند.

نمونه بارز برنامه‌ریزی برای انجام امور مربوط به جامعه در انقلاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مشورت با اصحاب از جمله حضرت سلمان (رحمه الله) در غزوه احزاب بود که منجر به حفر خندق گردید (ذهبی، 1409، ق، ج 2، 566؛ ابن ابی یعقوب، بی‌تا، ج 2، 50؛ سمرقندی، 1416، ق، ج 3، 47) و ثمره آن شکست محاصره اقتصادی - نظامی دشمنان بود.

مرحله نهایی اعتماد به توان نیروهای داخلی، اجرای برنامه‌ها با کمک آنها و عدم تکیه بر

بیگانگان است. قرآن خطاب به پیامبر اکرمی الله علیه و آله و سلم، مؤمنان را برای مبارزه با دشمنان کافی می‌داند: *يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ* (انفال: 64). چنین نیروهایی با درایت تصمیم گرفته و شجاعانه عمل می‌کنند که نمونه آن در بت‌شکنی حضرت ابراهیم علیه‌السلام دیده می‌شود: *وَ تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ فَجَعَلَهُمْ جُذَاءً إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ* (انبیاء: 57 و 58)؛ و سوگند به خدا که پس از آنکه پشت کردید و رفتید قطعاً در کار بتانان تدبیری خواهم کرد، پس آنها را جز بزرگ‌ترشان را ریزریز کرد باشد که ایشان به سراغ آن بروند.

#### 4-2- حساسیت در برابر دشمن

نیروهای انقلابی در برابر تحرکات دشمن درونی و بیرونی، حساس بوده و با شناخت سریع موضوع واکنش مناسبی را نشان می‌دهند. حساسیت در مرتبه اول با شناخت دشمنورت می‌گیرد چنانکه در حدیث نبوی شناخت دشمن در ضمن شناخت پروردگار از نشانه‌های عاقلان معرفی شده است: *«أَلَا وَ إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَأَطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ»* (دیلمی، ۱۴۰۸، ق، ۳۳۷)؛ آگاه باشید که عاقل‌ترین مردم کسی است که پروردگارش را بشناسد و اطاعتش کند و دشمنش را شناخته و با او مخالفت نماید. بخشی از شناخت دشمن مربوط به شناخت زمینه‌ها و راه‌هایی است که دشمن برای ضربه زدن به نیروهای انقلابی از آنها استفاده می‌کند، از جمله این راه‌ها می‌توان به تفرقه (قصص: 4)، تخریب شخصیت نیروهای انقلابی (شعراء: ۱۱) و نبرد غیرمنتظره مانند تلاش برای حملات غافلگیرکننده (نساء: ۱۰۲) اشاره کرد.

پس از شناخت باید تدابیری برای پیشگیری از اقدامات دشمن اندیشید یا اقدامات وی را خنثی نمود، مصداقی از تدابیر پیشگیرانه، آماده کردن تجهیزات نظامی از سوی حکومت انقلابی به عنوان متولی جامعه اسلامی است. اهمیت تجهیزات نظامی برای پیشگیری از حملات دشمن به اندازه‌ای است که خداوند به آماده کردن هر نوع نیروی مادی و معنوی دستور داده است (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵، ق، ج ۱، ۳۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ۲۲)، تهیه چنین تدارکاتی با هدف ترساندن دشمنان خدا و دشمنان نیروهای انقلابی شکل می‌گیرد چه دشمنانی که شناخته‌شده هستند و چه آن‌هایی که هنوز ناشناس هستند؛ اعم از منافقانی که در ظاهر در کنار مسلمانان هستند و کفاری که هنوز با مسلمانان درگیر نشده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ج ۹، ۱۱۶) و فقط خداوند از دشمنی آن‌ها آگاه است: *وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطٍ*

الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلُمُونَ (انفال: ۶۰)؛ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت. در این آیه طبق برخی روایات مصداق «قوة» هر نوع سلاح (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۲۷۹)، تیر جنگی (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۹، ۴۶۸)، شمشیر و سپر (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ۶۶) و حتی خضاب کردن موهای سر وورت (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ۱۲۳) است که رزمنده‌ها را جوان نشان داده و نوعی جنگ روانی علیه دشمن محسوب می‌شود.

مرحله نهایی حساسیت در برابر دشمن را می‌توان جهاد همه‌جانبه با دشمن است: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَا وَأَهُمْ جَهَنَّمَ وَ بُسِّ الْمَصِيرُ (تحریم: ۹)؛ ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر [که] جای ایشان در جهنم خواهد بود و چه بد سرانجامی است. «جهاد» از ماده «جهد» در اصل به معنای طاقت، نیرو و مشقت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۲۰۸؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ۴۸۶) و زمانی که گفته می‌شود فلانی جهاد کرد، مراد به کار انداختن قدرت خود و تحمل مشقت و تلاش است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱ ق، ج ۲، ۷۷)؛ این تلاش هم می‌تواند در مقابل دشمن درونی یعنی نفس باشد و هم دشمن بیرونی که در برخی روایات به آنها اشاره شده است (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۹، ۳۷۸)، لذا باید به بهترین وجه انجام گیرد، بنابراین دستور داده شده تا حق جهاد ادا شود: وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ (حج: ۷۸)؛ و در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید. حق جهاد به معنای عالی‌ترین مراتب جهاد است یعنی جهادی خالصانه و فقط در راه خدا (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۴، ۴۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ۱۸۲) که هیچ نوع کوتاهی در آنورت نگیرد (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴ م، ج ۱۷، ۲۵۱) این جهاد گاهی با مال و گاهی با زبان و زمانی با بذل جانورت می‌گیرد (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ ق، ج ۵، ۳۹۸)؛ بنابراین حساسیت در برابر دشمن را می‌توان یکی از شاخص‌های سیاسی انقلابیون ذکر کرد (باکویی، ۱۳۹۶، ۳۸ - ۵۶).

## 5-2- رعایت تقوای سیاسی

تقوا از ماده «وقایه» و ریشه «وقی» به معنای نگهداری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق،

881) از این رو تقوا را به معنای پارسایی و خودنگهداری معنا می‌کنند. (رضایی اصفهانی، 1385، 216) پارسایی گاهی بهورت فردی اجرا می‌شود به گونه‌ای که فرد به خاطر خداوند، از برخی گناهان یا مکروهات خودداری کرده و برخی افعال را انجام نمی‌دهد؛ و گاهی در مورد مسائل مربوط به جامعه مطرح می‌شود که از آن به «تقوای سیاسی» تعبیر می‌شود، تقوای سیاسی مربوط به دقت در لغزشگاه‌هایی است که امکان سوءاستفاده دشمن وجود دارد. بیان مقام معظم رهبری در تبیین این محورهای تقوا چنین است: «اینکه ما عرض کردیم که باید به آرمان‌ها پای بند بود، اسلام این‌ها را از ما خواسته است. یک تکلیف دینی است و رعایت آن تقوای دینی است. تقوای سیاسی هم همراه همین است؛ تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده بکند پرهیز بکند» (سخنرانی معظم له در 14 خرداد 1395).

یکی از مهم‌ترین مواردی که باعث سوءاستفاده دشمن می‌گردد، استفاده از واژگانی است که معانی متعددی داشته و دشمن معنای مطلوب خود را از آن برداشت می‌کند؛ خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد که از چنین واژگانی استفاده نشود، از جمله به مسلمانان دستور داده است که به جای واژه «راعنا» از واژه «انظرننا» استفاده کنند: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَفُؤَلُوا انظُرْنَا وَأَسْمَعُوا (بقره: 104)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید نگویید «راعنا» و بگویید «انظرننا» و [این توصیه را] بشنوید؛ زیرا واژه راعنا دارای دو معنی است هم به معنی رعایت کردن و هم نوعی دشنام در زبان عبری به معنای تحمیق کردن یا آرزوی ناشنوایی برای شنونده است (فراهیدی، 1409 ق، ج 2، 119، طوسی، [بی‌تا]، ج 1، 388 و 389؛ راغب اصفهانی، 1412 ق، 357 و 358؛ فخر رازی، 1420 ق، ج 3، 634)؛ در رد اسلام یهودیان مخالف پیامبر معنای دوم این واژه را برجسته می‌کردند تا به سخره پیامبر و مسلمانان پردازند، قرآن با توجه به چنین لغزشگاهی، دستور داد از واژه‌هایی استفاده شود که تبعات منفی ندارد.

جنبه دیگر رعایت تقوای سیاسی، پرهیز از افشای اسرار است، با فاش نمودن رازهای مخصوص مؤمنان و حکومت اسلامی، امکان سوءاستفاده دشمن بلکه در برخی موارد زمینه سلطه سیاسی فراهم می‌گردد، لذا خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد تا بیگانگان را محرم اسرار ندانند؛ بدان جهت که افراد غیرخودی از هیچ‌گونه تباهی در حق نیروهای انقلابی کوتاهی نمی‌کنند و هدف نهایی آنها به سختی کشاندن مؤمنان است که گاهی از لحن گفتارشان نیز می‌توان به دشمنی آنها پی برد: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا

وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِيهِدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ آيَاتٍ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (آل عمران: 118)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از غیر خودتان [دوست و] همراز مگیرید [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند آرزو دارند که در رنج بیفتید دشمنی از لحن و سخنان آشکار است و آنچه سینه‌هایشان نهان می‌دارد بزرگ‌تر است در حقیقت ما نشانه‌ها [ی دشمنی آنان] را برای شما بیان کردیم اگر تعقل کنید.

سنجش اخبار قبل از تصمیم‌گیری زمینه رعایت تقوای سیاسی را فراهم می‌سازد، بی‌توجهی به سخنان افراد فاسق و دروغ‌گو در تصمیم‌گیری‌های اساسی و سنجش اخباری که از طرق گوناگونی به دست نیروهای انقلابی می‌رسد، لازمه تصمیم‌های مهم سیاسی است که در آیات قرآن نیز به گونه‌ای بر آن تأکید شده است، خداوند دستور داده است اگر فاسقی خبری آورد قبل از تصمیم‌گیری، حجت یا سقم آن بررسی شود تا مبدا از روی ناآگاهی تصمیمی گرفته شود که منجر به پشیمانی گردد: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُكُمْ عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (حجرات: 6)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی برایتان خبری آورد نیک واری کنید مبدا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید.

زمینه دیگر تقوای سیاسی، سعه‌صدر مدیران انقلابی است. هر مدیریتی از جمله مدیریت سیاسی جامعه، نیازمند سعه‌صدر است که در روایات نیز بر آن تأکید شده است (نهج‌البلاغه، کلمات قصار 176؛ لیثی واسطی، 1376، 18). در سیره انقلابیونی مانند پیامبر خاتمی الله علیه و آله و سلم علاوه بر تأکید زبانی، در عمل نیز حضرت از خود سعه‌صدر نشان دادند تا جایی که منافقان وی را فردی «أذُن» یعنی خوش‌باور نامیدند؛ (ابن عاشور، 1984 م، ج 10، 134؛ ابن ابی حاتم، 1419 ق، ج 6، 1826؛ طوسی، [بی‌تا]، ج 5، 248) منافقان یکی از نقاط قوت پیامبرلی الله علیه و آله را که وجود آن در یک رهبر لازم است، به عنوان نقطه‌ضعف نشان می‌دادند و از این واقعیت غافل بودند که یک رهبر محبوب، باید نهایت لطف و محبت را نشان دهد و حتی الامکان عذرهای مردم را بپذیرد (مکارم شیرازی، 1374، ج 8، 15)؛ وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ قُلْ أذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (توبه: 61)؛ و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند او زودباور است بگو گوش خوبی برای شماست به خدا ایمان دارد

و [سخن] مؤمنان را باور می‌کند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند رحمتی است و کسانی که پیامبر خدا را آزار می‌رسانند عذابی پردرد [در پیش] خواهند داشت.

## 2-6 - رعایت اصول اولیه و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر زندگی بشر

برخی از مسائل، مورد اتفاق همه جوامع بشری بوده و در همه آن‌ها به عنوان ارزش محسوب می‌گردد، انقلابیون نیز در تعامل با جوامع بشری و سایر ملل از این قواعد بهره برده و به آن‌ها به عنوان ابزارهای تفاهم و تعامل با جوامع می‌نگرند، مواردی نظیر دقت، وفای به عهد و... که در آیاتی از قرآن نیز به برخی از آن‌ها اشاره شده است از قبیل:

الف: وفای به عهد؛ پذیرش عهد و پیمانی که میان افراد و گروه‌ها منعقد می‌شود از اصول مورد اتفاق همه (و یا بیشتر) جوامع بشری است و حتی لازم است به عهد و پیمان‌هایی که با مشرکان نیز منعقد شده است وفا گردد: *إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يَظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ* (توبه: 4)؛ مگر آن مشرکانی که با آنان پیمان بسته‌اید و چیزی از [تعهدات خود نسبت به] شما فروگذار نکرده و کسی را بر ضد شما پشتیبانی ننموده‌اند پس پیمان اینان را تا [پایان] مدتشان تمام کنید چرا که خدا پرهیزگاران را دوست دارد.

در کلامی از امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام وفای به عهد ارزشی پذیرفته شده نزد همه جوامع معرفی گردیده است. بی‌تردید وفای به عهد یکی از ده‌ها موردی است که کم‌وبیش دارای چنین ویژگی هستند. (علیدوست، 1391، 88) آن حضرت در نامه خود به مالک اشتر می‌نویسد: *«إِنَّ عَقْدَتَ بَيْنِكَ وَ بَيْنَ عَدُوِّكَ عَقْدَةٌ أَوْ الْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةٌ فَحُطَّ عَهْدُكَ بِالْوَفَاءِ وَ أَرَعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ وَ اجْعَلْ نَفْسَكَ جَنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيَتْ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشْتِتِ آرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ قَدْ لَزِمَ ذَلِكَ الْمُشْرِكُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ دُونَ الْمُسْلِمِينَ لَمَّا اسْتَبَلُّوا مِنْ عَوَاقِبِ الْعَدْرِ»* (نهج‌البلاغه، نامه 53؛ ابن‌شعبه حرانی، 1404 ق، 146)؛ اگر بین خود و دشمن قرارداد بستنی، یا از جانب خود به او لباس امان پوشاندی، به قرارداد وفا کن و امان دادنت را به امانت رعایت نما و خود را سپر تعهدات خود قرار ده، زیرا مردم بر چیزی از واجبات الهی چون بزرگ شمردن وفای به پیمان- با همه هواهای گوناگون و اختلاف آرای که دارند- اتفاق ندارند. مشرکین هم علاوه بر مسلمین وفای بر عهد را بر خود لازم می‌دانستند، چراکه عواقب زشت پیمان‌شکنی را آزموده بودند.

ب: اعطای پناهندگی سیاسی برای یادگیری و فهمیح اسلام؛ برای فهم بهتر مفاهیم اسلامی و باور قلبی به آن از سوی مشرکان و یا افرادی که به آن ایمان ندارند، درک مستقیم و رویارویی عینی با آیات قرآن و دستورات اسلام بیشترین نتیجه را به بار می‌آورد، از این‌روی خداوند به پیامبر دستور می‌دهد اگر کسی از مشرکان بخواهد کلام خدا را بشنود به وی چنین اجازه‌ای داده شده و هیچ تعرضی به وی نشود تا پس از شنیدن کلام الهی به منطقه امن خود بازگردد: *وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ* (توبه: 6)؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان چرا که آنان قومی نادان‌اند.

همچنین گاهی لازم است برای پیشبرد اهداف انقلاب، نرمش قهرمانانه نشان داده شود؛ پذیرش ولایت‌عهدی امام رضا علیه‌السلام و پذیرش امام حسن علیه‌السلام در سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌تواند مصادیقی از این نرمش قهرمانانه تلقی شود؛ همچنین نرمش حضرت موسی علیه‌السلام در مقابل فرعون در آیه زیر می‌تواند بیانگر چنین نرمشی باشد؛ در این آیات، حضرت موسی علیه‌السلام به خواسته‌های فرعونیان مبنی بر دعا برای رفع بلا پاسخ مثبت می‌دهد تا شاید زمینه ایمان آن‌ها فراهم شود (مکارم شیرازی، 1374، ج 6، 326): *وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَ لَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُمْ بِالْغَوَةِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ* (اعراف: 134 و 135)؛ و هنگامی که عذاب بر آنان فرود آمد گفتند ای موسی پروردگارت را به عهدی که نزد تو دارد برای ما بخوان اگر این عذاب را از ما برطرف کنی حتماً به تو ایمان خواهیم آورد و بنی‌اسرائیل را قطعاً با تو روانه خواهیم ساخت و چون عذاب را تا سررسیدی که آنان بدان رسیدند از آنها برداشتیم باز هم پیمان‌شکنی کردند.

ج: فرمان عفو عمومی یا عفو سیاسی؛ در بیشتر ملل، بنا به مصالحی فرمان عفو عمومی از سوی رهبر جامعه‌ها می‌شود تا مجرمان به آغوش جامعه بازگردند، عفو عمومی علاوه بر اثبات بزرگی رهبر جامعه و قدرت وی، قلب‌های مردم را هم نرم کرده و باعث دید مثبت و نظر مساعد خانواده‌های زیادی نسبت به حکومت می‌شود، در واقع نوع برخورد با مخالفان در تغییر روحیه و جلب آن‌ها به جمع نیروهای انقلابی مؤثر است، لذا در برخی موارد به تناسب شرایط به مدارای سیاسی با مخالفان دستور داده شده است در مورد حکومت نو پای اسلامی در در اسلام



هم نمونه‌هایی از این عفو عمومی دیده می‌شود: لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (توبه: 117)؛ به یقین خدا بر پیامبر و مهاجران و انصار که در آن ساعت دشوار از او پیروی کردند ببخشد بعد از آنکه چیزی نمانده بود که دل‌های دسته‌ای از آنان منحرف شود باز برایشان ببخشد چرا که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است. گاهی عفو پیامبر شامل افراد خاصی شده است که بعد از توبه کردن قصد بازگشت به آغوش اسلام را دارند؛ از جمله سه نفر از مسلمانان به نام‌های کعب بن مالک، مراره بن ربیع و هلال بن امیه از روی سستی از شرکت در غزوه تبوک خودداری کردند و پس از پشیمانی از پیامبرلی الله علیه و آله و سلم عذرخواهی کردند که پس از مدتی توبه آن‌ها مورد پذیرش قرار گرفت و عفو شدند (طبرسی، 1372، ج 5، 120؛ طبرانی، 2008، ج 3، 354): وَ عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (توبه: 118)؛ و [نیز] بر آن سه تن که بر جای مانده بودند [و قبول توبه آنان به تعویق افتاد] تا آنجا که زمین با همه فراخی‌اش بر آنان تنگ گردید و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا جز به سوی او نیست پس [خدا] به آنان [توفیق] توبه داد تا توبه کنند بی‌تردید خدا همان توبه‌پذیر مهربان است. پذیرش توبه حضرت حر علیه‌السلام در ماجرای کربلا را می‌توان مصداق عفو در سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام دانست (ابن اعثم کوفی، 1411 ق، ج 5، 101 و 102؛ قندوزی، 1422 ق، ج 3، 76 - 78).

## 2-7- مبارزه با فساد درونی نیروهای انقلابی

گاهی در میان نیروهای خودی، روزه‌هایی از فساد دیده می‌شود و چه بسا برخی از افراد نیز به فساد آلوده شوند که بر اساس سیره عقلا مبارزه با آن ضروری است، حتی گاهی فساد درونی نیروهای انقلابی در مراکز فرهنگی نظیر مسجد شکل می‌گیرد تا در قالبی مذهبی و به دور از هرگونه شک و شبهه‌ای به فعالیت‌های خرابکارانه خود بپردازند، نمونه چنین توطئه‌ای در زمان پیامبر خاتمی الله علیه و آله، توسط برخی منافقان در ساخت مسجد ضرار نمایان شد و پیامبر به دستور وحی به تخریب آنجا پرداخت (طبرسی، 1387 ق، ج 3، 110؛ بلاذری، 1417 ق، ج 1، 282 و 283). آیاتی از سوره توبه به این مسئله اشاره کرده است (توبه: 107 - 110).

مهم‌ترین دلیل انحراف نیروهای انقلابی از اصل انقلاب و اسلام، بر طبق برخی آیات وجود

رخنه‌های اعتقادی است، مثلاً کفر منافقان پس از ایمان باعث شده است تا در فهم دچار سرگردانی شوند و از جمع نیروهای انقلابی خارج گردند: ذَلِكَ بَأْنَهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَي قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (منافقون: ۳)؛ این بدان سبب است که آنان ایمان آورده سپس به انکار پرداخته‌اند و در نتیجه بر دل‌هایشان مهر زده شده و [دیگر] نمی‌فهمند. این افراد شناخت‌حیجی از خداوند ندارند به عنوان نمونه عزت پروردگار را باور نداشته و در غیر خداوند به دنبال آن هستند: بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلْيَتُّونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (نساء: ۱۳۸ و ۱۳۹).

لازمه هشدار به مؤمنان و مبارزه با فساد درونی آن‌ها این است که دستورالعمل‌هایریحی تدوین گردد تا در مواجهه با موارد شبهه‌ناک امکان سوءبرداشت‌ها از بین برود، در انقلاب پیامبر اکرمی الله علیه و آله و سلم چنین دستورالعمل‌هایی ارائه شده است، از جمله لزوم تبعیت از رهبری (نساء: ۵۹؛ انفال: ۴۶)، تعیین جانشین وی در آیاتی نظیر آیه ولایت (مائده: ۵۵ و ۵۶)، وجود قوانینریح اقتصادی از جمله تحریم ربا (بقره: ۲۷۸ و ۲۷۹)، ارائه دستورالعمل‌های کنترل نگاه (نور: ۳۰ و ۳۱) و دستور ازدواج (نور: ۳۲ و ۳۳) برای جلوگیری از نفوذ دشمن درونی و ممانعت از تحریک شیطان جهت پیشگیری از مشکلات اخلاقی نیروهای انقلابی، دستورالعمل‌های خاص رفتاری به برخی افراد مطرح و بزرگان جامعه برای جلوگیری از نفوذ منافقان و سوءاستفاده آن‌ها از جمله رعایت تقوا و عدم تبرج جاهلی (احزاب: ۳۲ و ۳۳) در این زمینه قابل استناد است. بی‌شک اجرای این دستورات از دانستن آنها مهم‌تر است.

### نتیجه‌گیری

شناخت شاخص‌های انقلابی‌گری برای مقابله با افراط و تفریط در معرفی انقلابیون و تثبیت ارزش‌های انقلابی‌گری ضروری است و به دلیل تأثیر شاخص‌های سیاسی بر امور کلان جامعه و اداره آن، بررسی شاخص‌های سیاسی ویژه می‌یابد، پژوهش حاضر با توجه به انتساب انقلاب اسلامی ایران به تعالیم و حیانی قرآن و اهل بیت علیهم السلام و اشاره‌های متعدد آیات به انقلاب‌های انبیاء در پی بررسی شاخص‌های سیاسی نیروهای انقلابی از دیدگاه قرآن است. به رغم تعاریف متعدد، می‌توان انقلاب را دگرگونی بنیادی در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به‌ویژه سیاسی دانست که نسبت به قبل از انقلاب اتفاق می‌افتد و

نهضت‌های پیامبران به جهت ایجاد دگرگونی‌های اساسی در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی جامعه می‌تواند مهم‌ترین مصداق انقلاب در آیات قرآن باشد. بررسی تطبیقی معنای لغوی انقلاب با بعثت و تحلیل تغییرات بنیادین ایجاد شده در نهضت پیامبرانی همچون حضرت محمدلی الله علیه و آله و سلم و حضرت موسی علیه‌السلام می‌تواند نشانه‌ای برحت این تطبیق باشد، علاوه بر اینکه سیره علما در به کار بردن واژه انقلاب بر بعثت انبیاء دارای پیشینه و بسامد زیادی است.

تبع، تدقیق و تحلیل آیات قرآن با استمداد از منابع روایی بیان‌گر آن است که پیروی از ولایت و رهبری جامعه اسلامی، راحت در بیان مواضع، اعتماد به نیروهای انقلابی، حساسیت در برابر دشمن، رعایت تقوای سیاسی، رعایت اصول اولیه و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر زندگی بشر و مبارزه با فساد درونی نیروهای انقلابی از مهم‌ترین شاخص‌های سیاسی نیروهای انقلابی از چشم‌انداز قرآن هستند.

## کتابنامه:

- قرآن کریم (ترجمه محمدمهدی فولادوند، 1373، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی) نهج البلاغه (ترجمه حسین انصاریان، 1386، تهران، پیام آزادی).
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (1419 ق)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن ابی یعقوب، احمد (بی تا)، تاریخ یعقوبی، قم، اهل بیت علیهم السلام.
- ابن اعثم کوفی، احمد بن علی (1411 ق)، الفتوح، بیروت، دار الأضواء.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (1404 ق)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، قم، جامعه مدرسین.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (1984 ق)، التحریر و التنویر، تونس، دار التونسیه للنشر.
- ابن فارس، احمد (1404 ق)، معجم المقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (1419 ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (1395 ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (1413 ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- بابا پور گل افشانی، محمدمهدی (1390)، انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ها و فرایند شکل‌گیری، قم، مرکز بین‌المللی نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.
- باکویی، مهدی و داوری چلقاتی، احد (1396)، «مراتب حساسیت نیروهای انقلابی در برابر دشمن از دیدگاه قرآن کریم»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره 22: ص 31 – 60.
- بشریه، حسین (1387)، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، تهران، موسسه نگاه معاصر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (1417 ق)، أنساب الأشراف، بیروت، دارالفکر.
- بهروزی لک، غلامرضا (1392)، «رویکردهای مطالعات سیاسی در قرآن کریم»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره 2: ص 39 – 62.
- ثعلبی، احمد بن محمد (1422 ق)، الكشف و البیان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- جزری، ابن اثیر، (1385)، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار الصادر.
- جوادی آملی، عبدالله، (1389)، ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت، قم، اسراء.

- حسنى، على اكبر (1380)، تاريخ تحليلى و سياسى اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى.
- حميرى، عبدالله بن جعفر (1413 ق)، قرب الإسناد، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ديلمى، حسن بن محمد (1408 ق)، أعلام الدين فى صفات المؤمنين ، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ذهبى، شمس الدين (1409 ق)، تاريخ الإسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، بيروت، دار الكتاب العربى.
- راغب اصفهانى، حسين بن محمد (1412 ق)، مفردات ألفاظ القرآن ، بيروت / دمشق، دار القلم / الدار الشاميه.
- رضايى اصفهانى، محمدعلى (1385)، منطق ترجمه قرآن، قم، مركز جهانى علوم اسلامى.
- زمخشري، محمود (1407 ق)، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دارالكتاب العربى.
- سبحانى تبريزى، جعفر (1425 ق)، رسائل و مقالات، قم، موسسه امام صادق عليه السلام.
- سبحانى تبريزى، جعفر (1363)، فروغ ابدیت، قم، نشر دانش اسلامى.
- سخترانى مقام معظم رهبرى در تاريخ 1395/03/14 ([www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)).
- سمرقندى، نصر بن محمد (1416 ق)، تفسير السمرقندى المسمى بحر العلوم، بيروت، دارالفكر.
- سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر (1404 ق)، الدر المثور فى تفسير المأثور، قم، كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى.
- شجاعيان، محمد (1382)، انقلاب اسلامى و رهيافت فرهنگى، تهران، مركز اسناد انقلاب اسلامى.
- شعيرى، محمد بن محمد (بى تا)، جامع الأخبار، نجف، مطبعة حيدريه.
- طباطبايى، محمدحسين (1417 ق)، الميزان فى تفسير القرآن ، قم، دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- طبرانى، سليمان بن احمد (2008 م)، التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم، اردن/ اربد: دار الكتاب الثقافى.
- طبرى، فضل بن حسن (1372)، مجمع البيان فى تفسير القرآن ، تهران، ناصرخسرو.
- طبرى، محمد بن جرير (1412 ق)، جامع البيان فى تفسير القرآن ، بيروت، دار المعرفه.
- طبرى، محمد بن جرير (1387 ق)، تاريخ الأمم و الملوك، بيروت، دارالتراث.
- طوسى، محمد بن حسن (بى تا)، التبيان فى تفسير القرآن ، بيروت، دار احياء التراث العربى.

علیدوست، ابوالقاسم (1391)، فقه و عقل، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

عیاشی، محمد بن مسعود (1380 ق)، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمية.  
عیوضی، محمدرحیم (1387)، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و ریشه‌های آن، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.

فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۱)، انقلاب تکاملی اسلام، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی.  
فارسی، جلال‌الدین (1374)، فرهنگ و آژه‌های انقلاب اسلامی، [مشهد]: بنیاد فرهنگی امام رضا علیه‌السلام.

فخر رازی، محمد بن عمر (1420 ق)، التفسیر الکبیر/ مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (1409 ق)، العین، قم، هجرت.  
قرشی بنابی، علی اکبر (1371)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیة.  
قرطبی، محمد بن احمد (1364)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصرخسرو.  
قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله (1405 ق)، فقه القرآن، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

قمی، علی بن ابراهیم (1404 ق)، تفسیر القمی، قم، دار الکتب.  
قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (1422 ق)، ینابیع المودة لذو القربی، قم، اسوه.  
کلینی، محمد بن یعقوب (1429 ق)، الکافی، قم، دار الحدیث.

لک زایی، نجف و اسفندیار، رجبعلی (1394)، «مناسبات فرهنگ و سیاست از دیدگاه امام خمینی رحمه الله»، پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، شماره 1: ص 1-20.

لیثی واسطی، علی بن محمد (1376)، عیون الحکم و المواعظ، قم، دار الحدیث.  
محمدی، منوچهر (1387)، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، قم، دفتر نشر معارف.  
مصباح یزدی، محمدتقی (1384)، انقلاب اسلامی جهشی در تحولات سیاسی تاریخ، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله.

مصباح یزدی، محمدتقی (1387)، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله.

مصباح یزدی، محمدتقی (1388)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

مصباح یزدی، محمدتقی (1380)، بحثی ساده و کوتاه پیرامون حکومت اسلامی و ولایت فقیه، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.

مطهری، مرتضی (1378)، مجموعه آثار، تهران / قم، صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (1374)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نخعی، هادی (1390)، «انقلاب: بغرنجی در مفهوم، تنوع در مصداق»، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره 24: ص 131 – 170.

نیکفر، جاسب و باقری، محمد (1395)، «انقلاب در قرآن»، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره 46: ص 7 – 20.

واحدی نیشابوری، علی بن احمد (1411 ق)، اسباب نزول القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه.

هادیان، ناصر (1391)، «مفهوم انقلاب و تحولات جهان عرب»، مجله سیاست، شماره 24: ص 205 – 222.